

به اعتقاد شما ابعاد واقعی و چشم‌اندازهای بحران اقتصادی کنونی چیست؟

بحران اقتصادی کنونی بحرانی است با ابعاد جهانی و منحصر به فرد. چون این بحران خود بیانگر پوشش‌های کانکریت، متناقض و مشخص انباشت سرمایه است و تأثیرات احتمالی و چندجانبه آن هم‌اکنون به سرعت از بخشی از اقتصاد – که دراصطلاح بانکی در ایالات متحده به ساب پرایم یعنی بهره رهن خانه با نرخی گزاف، معروف است و با قبول ریسک‌های تصاعدی و ازاین دست به آن دست‌کردن وام‌های خرید خانه اعتبار بدون محل و مجوز ایجاد می‌کند به بخش‌های دیگر اقتصادی، نخست در آمریکا و سپس به اقتصاد دیگر نقاط جهان گسترش می‌یابد. دلیل اصلی ایجاد اعتبار براساس صرفاً اعتبار (نه با تکیه به سرمایه‌ای که در بازار موجودیت واقعی دارد) خود از مقوله‌هایی است که از یک سو بر روند رقابت (یعنی تضاد جزء جزء سرمایه‌داری متقابل سرمایه) به‌ویژه در سرمایه‌داری متکامل کنونی، با تأکید مستقیم دارد و از سوی دیگر آینه‌ای است تمام نما از فرآیند تصاحب خانه‌های شمارعظیمی از مردم تنگدست که دیگر قادر به بازپرداخت وام‌های خویش نیستند. این البته خود تبلور مفهومی است بسیار مهم از پدیده‌هایی که در اقتصاد سیاسی به‌قطب‌بندی طبقاتی معروف است، تئوری ایمیزلیاسون مارکس (در ویژگی‌گی تسلسور عیسنی فکرو و تهیدست‌سازی) را نیزین باید در رابطه با مشاهده و درک واقعیات ملموسی ازاین قبیل محک زد. سرمایه‌داران مالی در آمریکا در رابطه با این بحران، دربخش وام‌های رهنی (و بخش‌های زنجیره‌ای مرتبط با آن) در آمریکا، با ایجاد مکانیسم‌های گزاف‌گون انکابی و بینابینی ریسک (تقلیل اعتبارات فرمبندی شده یا سرمایه‌گذاری پیشگیرانه که ظاهراً موسوم به سکویزیتزاسیون یعنی ایجاد پشتوانه لازم جهت امنیت اعتبار موجود است) در واقع به دست به دست‌کردن هرچه بیشتر اعتبارات بدون محل در زیر‌عنوان‌های توخالی و فروش فوری آنها به برادران (وخواهران!) سرمایه‌دار خویش پرداختند. در نتیجه، این بحران، مانند هر بحران دوره‌های دیگر در سرمایه‌داری، ناچار از یطن دو تضاد ذاتی و لاینفک نظام برسی می‌زید: یکی تضاد میان خود سرمایه‌داران و تئوری تضاد میان کارو سرمایه. به همین جهت، اصولاً رقابت در نظام سرمایه‌داری به ویژه از دیدگاه تولید و بازتولید ارزش سرمایه، پدیده‌ای است اجتناب‌ناپذیر، با پایدار و جهانشمول. دراین ارزش‌آیند، نقش به‌مهم سرمایه‌حقیقی سرمایه فیکتیئش بسیار مهم است. زیرا این فرم از سرمایه نه تنها قلابی با غیرضروری برای سرمایه در گردش نیست، بلکه بالعکس نقش آن در فرآیند انباشت انکارناپذیر است.

**چک‌گرایان سنتی، چشم و گوش بسته**

**هنوز از تسلط سرمایه مالی در انباشت سخن می‌گویند و**

**به این ترتیب بیشتر به صورتی نخنما به توصیف‌هایی**

**متوسل می‌شوند که مربوط به فراملی شدن سرمایه در**

**دوران جنبی آن بوده و برای دوره کنونی نامناسب است به نظر من**

**رقابت نبرد سرمایه با سرمایه است آنگونه که ژوزف شومپیتر و پیش از او**

**کلار مارکس به روشنی گفته‌اند**

چرا که اطلاق غیرحقیقی به چنین سرمایه‌ای فقط و فقط به لحاظ باروری آن در حوزه گردش سرمایه نه حوزه تولید است. به عبارت دیگر، فقط در فرآیند تولید است که ارزش‌آیند، نقش به‌میت سرمایه‌حقیقی در سرمایه می‌آید. در حوزه توزیع و گردش، باوروی سرمایه به نرخ سودبستگی دارد و این نرخ نیز در حوزه تولید و براساس ارزش اضافی تولید شده، تعیین می‌شود. پس از آن یک سو، نقش سرمایه در گردش (مانند سال ۲۰۰۸ سرمایه مالی)، تا آنجا که به منبع اصلی انباشت وعلیت سرمایه‌بستگی دارد، نقشی نامستقل و حاشیه‌ای است اما از سوی دیگر، این فرم ازسرمایه در فرآیند گردش (چنانکه از عملکرد سرمایه مالی در بحران کنونی مشاهده می‌شود) کاملاً مستقل و جدا ازحقیقت وجودی (یعنی منبع اصلی) خویش عمل می‌کند. به همین جهت، مارکس سرمایه مالی را که در نقطه‌نظر گردش سرمایه خود واقعیتی انکارناپذیری است، درستی سرمایه غیرحقیقی (نه غیرواقعی!) می‌نامد.

اینجا، دامنه عینی و فرآگیر این بحران نه تنها آغاز فصل نوینی در تاریخ ویژه کشورهای سرمایه‌داری در جهان است بلکه با صدای رساتری از معنای واقعی فراملیمی‌شدن سرمایه و گستردگی جهانی آن در دنیای به هم پیوسته امروز سخن می‌گوید. این بحران تأثیرات و تبلورات ساری و جاری جهانی دارد. این تبلورات به گونه ارگانیک از قطعی‌شدن سرمایه، قطعی‌شدن فرآیند طبقاتی و نیزهمزمان از تمایلات به ناسازی‌های بین‌المللی و درون‌کشوری و در نتیجه استنادارزیده شدن جهانی طبقه کارگر خیر می‌دهد. اجازه دهید باز بگویم

در سرمایه‌داری مدرن، نظریه ارزش نه فقط نظریه چگونگی نظام قیمت‌گذاری در سرمایه‌داری است، بلکه این نظریه همزمان حاوی قطب‌بندی طبقاتی نیز هست. به نظر من، سیماي مشترک و جهان‌شمول این سیستم در حال حاضر و در بطن خود، صرف‌نظر از مراحل تکامل کنونی‌اش از خصلت بازتولید ارزش برپایه اولویت تخریب بازتولید سرمایه برخوردار است.

اگرچه می‌توان از عواقب این همه درهم‌ریختگی قدری پیشگیری کرد برای مثال، کنترل بازار مسکن و توجه ویژه در مورد رهن‌های با نرخ سود گزاف، یا دستورالعمل‌های قانونی دقیق برای «تامین امنیت» سرمایه‌های مالی ریسک‌پذیر و روی هم‌انباشه‌شدن «اوراق‌بدهی با وثیقه‌های پادروها» یا اوراق تجاری با پشتوانه که به قصد دریافت سود آتی و بدون پشتیبرمی به وثیقه (با یا پشت گرمی اندک) ، طبیعتاً باید به گردش سریع و حیرت‌انگیز سرمایه (بر مبنای ایجاد خلق‌الساعه اعتبار جعلی بر اعتبار جعلی، یعنی ایجاد بدهکاری بر بدهکاری موجود) بینجامد. در اینجا، مساله اساسی تعمد در از این دست به آن دست‌کردن سودآور سرمایه است که به نوبه خود امنیت کل مجموعه سیستم مالی را به مخاطره انداخته است. تعریف کلاسیک آنچه به نام ریسک شناخته شده (ریسک محاسبه‌پذیر) مشهور است به پدیده‌هایی اشاره دارد که به طرز موثری مربوط به محاسبه بر مبنای نظریه احتمالات و اطلاع از موجودیت چگونگی توزیع احتمالات پیش از احتمال وقوع هر یک از آنهاست. اما تلبنازشدن نامحدود ریسک بر مبنای ریسک خالص دارای جوهره عدم قطعیت است که از زمین تا آسمان با ریسک مطیع از الگوهای غیرخطی هرج و مرج تفاوت دارد و به‌راحتی در چارچوب قانون احتمالات نمی‌گنجد. در نتیجه، این نوع ریسک‌های درهم‌تنیده طرف‌متعارف محاسبه براساس احتمالات نیست. به این ترتیب، در همه عوامل فردی دست‌اندرکار و هم به تاسیسات جمعی موجود در این مورد باید گوشزد کرد که از این پس، با درک اینکه آنچه ممکن است پیش‌آید قابل پیش‌بینی نباشد از عواقب ناخواسته‌ایمانی این چنینی بپرهیزند. این هشدار البته افزون بر عملکردهای عمومی و عینی در نظام سرمایه‌داری است که شومپتر به درستی آن را «بی‌ثباتی سرمایه‌داری» نامیده است.

با تمرارک بر سرنوشت پاره‌ای از

(یعنی در بدو فراملی‌شدن سرمایه مالی، مثلاً از دیدگاه هیلفردینگ یا لئین) و دوران عظیم جهانی‌شدن معاصر قرینه‌سازی می‌کنند، نیز صادق است. افزون بر این، چک‌گرایان سنتی، چشم و گوش بسته هنوز از تسلط سرمایه مالی در انباشت سخن می‌گویند و به این ترتیب بیشتر به صورتی نخنما به توصیف‌هایی متوسل می‌شوند که مربوط به فراملی‌شدن سرمایه در دوران جنبی آن بوده و برای دوره کنونی نامناسب است. همچنین، اینجا سخن از رقابت سرمایه‌دانه ربطی به افسانه پردازی رقابت‌انزاعی در اقتصاد نئوکلاسیک چه به گونه تمایلات محافظه‌کارانه و چه براساس تمایلات لیبرال) نداشته و با آن کاملاً مغضوات است. به نظر من، رقابت نبرد سرمایه با سرمایه است، آنگونه که ژوزف شومپتر و پیش از او کارل مارکس به روشنی گفته‌اند. نبرد کنونی در قلمرو سرمایه مالی و ویژگی بسط سودآورانه ارزشی است که قبلاً در قلمرو تولید ایجاد شده و اکنون از طریق فرآیند ارگانیک و پرشتاب سرمایه بر اساس مفهوم ساختنی که در ضمن ویرانی ایجاد می‌شود (به گونه‌ی creative destruction به تعبیر شومپتر)، همراه با مکمل آن در تولید ارزش، و یعنی ویرانی‌ای که در بطن کالای جدیدی می‌نیامد (به‌گونه‌ی کلاسیک creation به تعبیر بینا) به سرعت هرچه

تنامتر ارزش‌زدایی می‌شود.

سرانجام، بسیاری از این منتقدان، هیچ کدام، نه ظرفیت‌های نامسانه ضروری، نه آموزش‌های مناسب و نه شناساوت‌افانه برای نگریستن به بحران‌های اقتصادی در کل حرکت سرمایه‌نندازد. اینان در بدو امر، با سرمایه به مثابه کلی تقسیم‌ناپذیر (یعنی رابطه‌ای اجتماعی) آغاز به برخورد نمی‌کنند، چشم از آنکه درگی از تقسیم‌گزیزناپذیر آن را به کالا، پول و شکل‌های تولیدی گزاف‌گون داشته باشند. برای مثال به باور من کاربرد لفظ مالی کردن عبارت پوچ می‌آساست را که به تازگی بعضی از مارکسیست‌های خودخوانده و نیزبعضی از اقتصاددانان هت‌روکس متمایل به چپ به کار می‌برند در حالی که امیدی به توصیف بحران دارد، همزمان به مبهم‌کردن تعبیر این عکس‌برگردان، یعنی بازتاب علل اصلی بی‌ثباتی می‌دانی فرآیند انباشت سرمایه، کمک می‌کند. این مفهوم گمراه‌کننده، بر سرعت دست به دست‌کردن سرمایه (یعنی کشدادن گردش ارزش اضافی موجود) انگشت می‌گذارد اما علل وجودی و نیز سرعت سرسام‌آور ارزش و بی‌ارزش‌شدن آن را در فرآیند تولید پنهان می‌کند. به عبارت دیگر، این مفهوم نارسا، خودهمان‌گونه، فرآیند مبادله مالی را در بازار به تکی می‌بندد اما در رابطه علت– معلولی آن با فرآیند تولید – بورژواآمانه – سرزای می‌زند. بنابراین،

«فرانادو داجفسکی، روزنامه‌نگار آرژانتینی



گفت‌وگوی حاضر که با سیروس بینا انجام شده به دنبال آن است تا از موضع چپ جهانی، به تفسیر بحران اقتصادی اخیر پردازد که گریبان آمریکا را گرفته است. بحران ناشی از تضاد ذاتی اقتصاد آمریکا در مرکز این گفت‌وگو است. گفت‌وگو شونده دامنه عینی و فرآگیر این بحران را آغاز فصل نوینی در تاریخ ویژه کشورهای سرمایه‌داری در جهان می‌داند که ناشی از واقعیت فراملیمی‌شدن سرمایه است. ازنظرسیروس بینا مساله اساسی تعمد در از این دست به آن دست‌کردن سودآور سرمایه است که به نوبه خود امنیت کل مجموعه سیستم‌های را به مخاطره انداخته و مجموعه‌ای از ریسک‌های غیرقابل

## اندیشه اقتصادی

### حباب‌های ناپایدار سرمایه، ریسک‌های بی‌پایان و مضیقه‌های بزرگ مالی در گفت و گو با سیروس بینا

# سرایت بحران مالی آمریکا به عرصه جهانی



پیش‌بینی مبتنی بر جوهره عدم قطعیت ایجاد کرده است. این استاد ایرانی دانشگاه مینه‌سوتا آمریکا براساس آموزه‌های مارکس از تمایز میان سرمایه حقیقی و سرمایه واقعی، دست به دست‌شدن سرمایه در نظام موجود اقتصادی را تجربه‌ای افشاگر بر مفهوم کاملاً رشد یافته سرمایه غیرحقیقی می‌داند به نحوی که رقابت انزاعی در اقتصاد نئوکلاسیک چه براساس تمایلات محافظه‌کارانه و چه تمایلات لیبرال در این میان موضوعیتی نداشته و آن‌گونه که مارکس و ژوپیتز مطرح کرده‌اند رقابت نبرد سرمایه با سرمایه است. این گفت‌وگو که منعکس‌کننده دیدگاه‌های مصاحبه‌شونده است از نظرانی می‌گذرد:

موسسه‌های رهنی مقروض گرفته، تا بازارهای اوراق قرضه پادروها، بازارهای اوراق تجاری با پشتوانه و بالاخره بازار بیمه تعهد پرداخت وام، یکی پس از دیگری در فرآیند ارزش‌زدایی در تولید و رابطه تنگاتنگ آن با گردش پول، نقش تکامل یافته کنونی سرمایه مالی را در دوران گلوبالیزاسیون نادیده می‌گیرد. در نتیجه، همان‌گونه که سال‌هاست تأکید کرده‌ام، چنین برخوردهای سطحی واقعیت کارکرد قانون ارزش در عصر پرقابیت جهانی‌شدن را نابخردانه نفی می‌کند. به باور من مالی کردن انحراف از موضوع است که ناخواسته فرآیند تلاش سرمایه‌داران مالی را برای حفظ ارزش در محدوده فضای گردش پول مغشوش می‌کند؛ فضای گردشی که اغلب با رقابت خصمانه و گسترده سرمایه‌به‌صورت بحرانی درمی‌آید که اکنون همگی شاهد آن هستیم. بحران امروز (به ویژه فعالیت‌های شدید آغاز در دوره بدی انباشت است. این مساله همچنین در ارتباط با مکتب اقتصادی درستی آیین نئوکلاسیک («همچنین پیروان التفاتی آن در میان مکتاب گذرآیین») از می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد چین و هند به ترتیب ۹/۳ و ۷/۹ درصد در سال ۲۰۰۸ خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش حدود ۱/۴ درصد است که می‌تواند با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ مقایسه شود. پیش‌بینی می‌شود اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین نرخ رشد نسبتاً مناسبی داشته باشند؛ گرچه یکبارگی مداوم اما ناآرامی‌آیند و عملکرد اجزای انرژی و تولید موادغذایی مواردی است که در این دو قاره احتمالاً به فقر محسوس و قطعی‌شدن شدید مناسبات طبقاتی می‌انجامد. این حال، رشد اقتصادی جهان بین ۳/۷ و ۴/۵ درصد خواهد بود. البته این جذا از حباب‌های جدیدی است که اکنون در حیطه سرمایه‌گذاری‌های موجود در اقتصاد مالی چین در حال تکوین هستند. پیش‌بینی‌شده اقتصاد اروپا در سال‌های